

فلسفۀ سیاسی

جان استیوارت میل

جان گری

خشایار دیهیمی

فهرست

۷	□ پیشگفتار مترجم
۹	□ سپاسگزاری
۱۱	□ پیشگفتار
۱۵	□ پیشگفتار چاپ دوم
۱۷	۱. مشکل و مسئلهٔ میل در رسالهٔ دربارهٔ آزادی
۴۹	۲. فایده‌گرایی میل
۹۹	۳. اصل آزادی
۱۳۵	۴. درک و مفهوم میل از خوشبختی و نظریهٔ فردیت
۱۶۹	۵. کاربردها
۲۰۳	۶. آموزهٔ آزادی میل: ارزیابی مجدد
۲۳۳	□ بعدالتحریر
۲۸۱	□ ضمیمه: نقد پلورالیستی جان گری بر لیبرالیسم
۳۰۹	□ نمایه

پیشگفتار مترجم

کتابی که در دست دارید سومین کتاب از مجموعه جدیدی است که طرح نو با عنوان «اخلاق، سیاست، و اجتماع» انتشار آنرا آغاز کرده است و قرار است زیر نظر نگارنده سه گروه کتاب را در این مجموعه به خوانندگان عرضه کند. گروه اول کتابهای پایه در زمینه‌های فلسفه اخلاق، فلسفه سیاسی، و فلسفه علوم اجتماعی خواهند بود. گروه دوم کتابهای تخصصی‌تری خواهند بود که خواننده را از آخرین مباحث در سه زمینه فوق مطلع خواهند کرد. و گروه سوم، نه کتابهای تفسیری، بلکه کتابهای اصلی متفکران بزرگ این سه رشته خواهند بود. این مجموعه دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: اول، فراهم آوردن مجموعه‌ای از کتابها در سه زمینه فلسفه اخلاق، فلسفه سیاسی، و فلسفه علوم اجتماعی که بتوانند چشم‌انداز کاملی از آنچه در این عرصه اکنون در غرب می‌گذرد با توجه به ریشه‌ها و سوابق امر به خواننده بدهند؛ و دوم، نمایاندن ارتباط وثیقی که میان این سه حوزه از دانش وجود دارد. آنچه گفتنی است این است که حداکثر تلاش شده است و خواهد شد تا انتخاب کتابها برای این مجموعه با وسواس و دقت زیاد صورت گیرد و ترجمه‌ها در حد امکان درست و روان و روشن باشد.

اما در مورد کتاب حاضر چند نکته گفتنی است. اولاً، چنانکه خوانندگان در دو کتاب پیشین جان گری هم ملاحظه فرموده‌اند، شیوه بحث او تحلیلی منطقی است و برای همین سیاق عباراتش همخوان با این شیوه است و در ترجمه نیز سعی شده است همین سیاق حفظ شود تا به دقت منطقی بحث آسیبی نرسد. به همین دلیل نیز در نقل قولهای بسیاری که از رساله درباره آزادی جان استیوارت میل آمده است، با آنکه دو ترجمه از این رساله به فارسی موجود است، از آنها نقل نکردیم و ترجمه مجددی

عرضه کردیم که در آن دقت فتنی بیشتر مد نظر بوده است. اما به هر صورت خواننده در صورتی بیشترین بهره را از این کتاب خواهد گرفت که قبلاً رساله درباره آزادی را بدقت بخواند. خوشبختانه هر دو ترجمه فارسی از این رساله اکنون در بازار موجودند و هر دو ترجمه نیز قابل اعتمادند. ترجمه مرحوم دکتر محمود صناعتی بسیار خوشخوان و روان و سلیس است و ترجمه مرحوم دکتر جواد شیخ الاسلامی هم به متن بیشتر وفادار است، اما هیچ‌یک از دو ترجمه «فتنی» به معنای دقیق کلمه نیستند، ولی به هر صورت برای منظور ما مطالعه هر یک از دو متن وافی به مقصود خواهد بود.

نکته دیگر نگاه خاصی است که جان گری در این هر سه کتاب نسبت به فلسفه سیاسی به طور کلی و نسبت به لیبرالیسم بالاخص دارد. برای آنکه خواننده، احیاناً بیش از اندازه تحت تأثیر این نگاه قرار نگیرد، بخصوص در فصلهای بعدالتحریری که سخت به همه لیبرالیسمها می‌تازد و حتی هرآنچه را خود در متن اصلی کتاب ساخته و پرداخته است ویران می‌کند، نقدی بر نظریات او را به قلم جورج کراودر در بخش ضمیمه این کتاب آورده‌ایم. امیدوارم برابر نهادن مواضع جان گری و تقدای جورج کراودر مایه‌ای برای تفکرات بعدی به خواننده بدهد و انگیزه‌ای برای تلاش فکری فراهم آورد.

سپاسگزاری

افراد نسبتاً زیادی در نوشتن این کتاب کوچک مرا یاری کرده‌اند. نطفه این کتاب در دوره‌ای بسته شد که من رسالهٔ دکترای خود را در مورد لیبرالیسم زیر نظر مرحوم جان پلامناتز تهیه می‌کردم. بدون علاقهٔ مشفقانه‌ای که جان پلامناتز به آثار اولیهٔ من نشان داد، و بدون تشویقها و پشتیبانیهای سوپروایزرهای بعدی من، آلن رایان و استیون لیوکس، واقعاً جای تردید است که هرگز می‌توانستم این کتاب را به عرصهٔ نشر برسانم. کریستوفر کیروان، معلم فلسفه من در دورهٔ تحصیلات لیسانس در کالج اکستر آکسفورد از آغاز نگارش کتاب تا پایان پروژه همواره نظرها و بندهای ارزشمندی در مورد دستنویسهای اولیه به من داده است. مرحوم جان ریز سخاوتمندانه و بیدریغ نظرهایش را کتباً و شفاهاً در مورد دستنویسهای اولیهٔ کتاب ابراز کرد. گریم دانکن یکی از دستنویسهای اولیه را خواند و کمک مؤثری کرد که بتوانم منظوم را روشنتر بیان کنم. سر آیزایا برلین، که نقد و نظره‌های فوق‌العاده نافذی در مورد متن نهایی داد، و ایچ. ال. ای. هارت، که نقدهایش در مراحل مختلف تألیف کتاب برایم فکربرانگیز بودند، شایستهٔ قدردانی برای نقش مهمشان در تکوین این کتاب هستند. سیاس از تد هاندریچ هم بر ذمهٔ من است که در چندین مرحله نظرش را دربارهٔ دستنویسها ابراز کرد و نقدها و تشویقهایش برایم ارزش فراوانی در سرتاسر دوران آماده‌سازی کتاب داشت. دلم می‌خواهد از رئیس و همکارانم در کالج سپاسگزاری کنم که امکان استفاده از مرخصی با استفاده از حقوق برای انجام مطالعات را برایم فراهم آوردند و در همین دوره بود که توانستم بخش اعظم کار را پیش ببرم.

افراد زیادی این محبت و عنایت را داشتند که کتاب را در مراحل پایانی بخوانند

و درباره‌اش ابراز نظر کنند. در این میان دلم سی خواهد خصوصاً از براین بری، فرد برگر، جی. بی. دی. دیوبد گوردون، دی. ان. مک کورمیک، جوزف راز، دی. ای. ریز، ای. کی. سن، سی. ال. نن، و دبلیو. ال. واینستاین تشکر کنم. چون طبیعتاً هر کس که کتاب را خوانده است با نمامی مفاد آن موافقت نداشته است، و چون من بعضاً علی‌رغم تقدما همچنان نظر خودم را حفظ و اعمال کرده‌ام. لازم است تأکید کنم که مسؤولیت همه مطالب عرضه‌شده در این کتاب صرفاً با من است.

روایتی اولیه از بحث من راجع به جان استیوارت میل به صورت مقاله‌ای با عنوان «جان استیوارت میل درباره آزادی، فایده، و حقوق» انتشار یافت. بخشهایی از این مقاله دوباره در این کتاب با اجازه انتشارات دانشگاه نیویورک، مجله هیومن رایستز (نوموس XXXIII)، به سردبیری جی. رولند میوک و جان دبلیو چیمن، کبی‌رایت ۱۹۸۱ متعلق به دانشگاه نیویورک، چاپ شده است. از پروفیسور رولند پنوک و انتشارات دانشگاه نیویورک از بابت این اجازه‌ای که به من دادند تا از مقاله چاپ‌شده در مجله‌شان دوباره استفاده کنم سپاسگزارم.

جی. ان. گری

جیزس کالج، آکسفورد

پیشگفتار

در این کتاب نظر معمول و مقبول دربارهٔ خصلت نوشته‌های جان استیوارت میل دربارهٔ آزادی به منازعه گرفته شده است. این دیگر از بدیهیات تاریخ فکری انگلستان قرن نوزدهم شده است که جان استیوارت میل جوان دست بالای بالا متفکری حد واسط است که نوشته‌هایش دربارهٔ مسائل اجتماعی و سیاسی آموزهٔ منسجم یا نظم استدلالی منطقی و معقولی را به دست نمی‌دهد، بلکه فقط کوششهایی برای ترکیب و تلفیق افکاری پراکنده است که در نهایت هم راه به جایی نمی‌برد. در مورد رسالهٔ دربارهٔ آزادی از دیرباز نظر رایج و مرسوم این بوده است که میل در این رساله دست به کاری محال زده است - یعنی عرضهٔ دفاعی فایده‌گرایانه از اولویت آزادی نسبت به سایر ارزشها. کدام کار خطیر فکری می‌تواند بیش از این خطا یا محکوم به شکست باشد؟

هدف من در این پژوهش این است که با تحلیل متن و بازساختن استدلال میل نشان دهم که دربارهٔ آزادی آن رسالهٔ احمقانه‌ای نیست که در طول یک قرن منتقدان و مفسران ناهمدل سعی کرده‌اند آن را چنان بنمایانند، بلکه مهمترین حلقه در سلسلهٔ استدلالهای میل در مورد آزادی، فایده، و حقوق است که او در تعدادی از وزن‌ترین نوشته‌های اخلاقی و سیاسی‌اش عرضه کرده است. دربارهٔ آزادی، برخلاف ادعای سخره‌آمیز و گزاف منتقدان میل، نه تنها نشانهٔ ماندگار و تاریخی ضد و نقیض‌گویی و تلون اندیشه‌های میل نیست، بلکه به عکس استدلالهای عرضه‌شده در آن به حد افراط منسجم و منطقی است و تازه علاوه بر این پایه و بنیادی هم برای استدلالهای فراوان سردستی، که میل در دیگر نوشته‌هایش پرورانده است، فراهم می‌آورد - نوشته‌هایی که در آنها نظریه‌ای فایده‌گرایانه در مورد رفتار بر مسائل زیادی در زندگی اخلاقی و

سیاسی اعمال شده است. درباره آزادی حاوی پاره‌ای از چیزی است که من آن را «آموزه آزادی میل» می‌نامم، و در آن دفاعی بر اساس فایده‌گرایی از پایه‌گذاری سیستمی از حقوق اخلاقی عرضه می‌شود که در آن حق آزادی در اولویت قرار می‌گیرد.

هنوز هم که هنوز است بیشترین اصالت و نوآوری میل در عرضه نظریه فایده‌گرایانه‌ای در مورد عدالت و در مورد حقوق اخلاقی، و در دفاع او از اهمیت درجه اول حق آزادی است. ادراک نظریه‌ای فایده‌گرایانه در مورد عدالت و حقوق اخلاقی همچنان سنگ بزرگی بر سر راه اکثر فیلسوفان اخلاق معاصر است که بیشتر آماده آن هستند که دفاع از چنین نظریه‌ای را اگر نه ضد و نقیض‌گویی آشکار، دست کم نشانه آفتگی فکری به حساب آورند. به عقیده من این مقاومت در برابر اندیشه دفاع فایده‌گرایانه از عدالت و حقوق ناشی از درک سطحی و محدود و تنگی از خود فایده‌گرایی و نادیده گرفتن برخی از شاخصترین ویژگیهای نوآوریهای میل در سنت فایده‌گرایی است. من با دلیل و مدرک نشان خواهم داد که فایده‌گرایی میل نوع نیرومند و ممتازی از فایده‌گرایی غیرمستقیم است که عاری از اکثر خطاها یا نقصهای است که بدرستی به سایر اشکال فایده‌گرایی نسبت داده می‌شود، و در عین حال قادر به خلق نظریه پذیرفتنی و منطقی و منسجمی در مورد عدالت و حق اخلاقی نسبت به آزادی است.

میل در نوشته‌هایش درباره آزادی همچون متفکری نیرومند و بالابخت و سیستماتیک جلوه‌گر می‌شود که هنوز تا اندازه زیادی جزئی از سنت فایده‌گرایی بریتانیایی است. «آموزه آزادی» او هنوز هم مانند آن زمان که نخستین بار آن را ساخته و پرداخته کرد جای نقد و نظر دارد. اما جدّیترین نقدهای وارد بر آن، نقدهایی نیستند که پرداختن نظریه‌ای فایده‌گرایانه در مورد حقوق اخلاقی را محالی مسلم می‌دانند، و آنهایی هم نیستند که همچنان آن تصویر نخ‌نما را از میل عرضه می‌کنند - تصویری که میل را همچون آدمی به نمایش می‌گذارد که اندیشه‌هایی نابخسته و شکل‌ناگرفته دارد و میان وفاداری به سنت فایده‌گرایی و عقاید لیبرالی‌اش گیر کرده است. به عکس، واردترین نقدها بر دفاع میل از آزادی، آنهایی هستند که این ادعا را در کانون توجه خود قرار می‌دهند که میل شرایط و اجزای گوناگون خوشبختی بشری را که ممکن

است عملاً در رقابت با هم قرار گیرند دست کم می‌گیرد و در نتیجه نمی‌تواند با لایه‌های عمیقتر و دشواری حقیقی بسیاری از معضلات اخلاقی واقعی رویارو شود. در بحث من، اینکه نوشته‌های میل حاوی پاسخی رضایتبخش به این نقدهای اخیر است، جایی ندارد، اما هدف من آن است که نشان دهم بخش عمده‌ای از آموزه آزادی میل، حتی اگر این نقدها را معتبر بدانیم، باز قدرت و اهمیت خود را حفظ می‌کند. این کتاب اگر بتواند نشان دهد که میل متفکری سیستماتیک بوده است و کتاب درباره آزادی بیانگر آموزه‌ای منسجم و منطقی است، و بدین ترتیب به خوانندگان آثار میل کمک کند که استدلالهای او را چنان ارزیابی کنند که حق و انصاف در مورد نتایج و دستاوردهای او رعایت شود، به هدف خود نائل آمده است.

پیشگفتار چاپ دوم

در بعدالتحریر تازه‌ای که بر این چاپ افزوده‌ام، تأملات ثانوی خود را در مورد لیبرالیسم میل و پروژه لیبرالی عرضه داشته‌ام. در متن اصلی کتاب به هیچ‌وجه دست نبرده‌ام و در پی آن نبوده‌ام که تفسیرم از نوشته‌های میل را در نکات اساسی ترمیم یا اصلاح کنم، بلکه سعی کرده‌ام دلایل خود را در مورد اینکه چرا دیگر به نظرم استدلال میل در دفاع از آزادی قابل دفاع نیست عرضه دارم. بر همین اساس، نقدهای سنتی اصلی بر نظر میل درباره آزادی را مورد بررسی مجدد قرار داده‌ام و نتیجه گرفته‌ام که این نقدها توان و نیرویی دارند که استدلال میل از پس آنها بر نمی‌آید. استدلال میل به نحوی که در چاپ اول این کتاب عرضه کرده بودم و درکم از آن هنوز هم همان است. اما دلایل عمیقتر عدم موفقیت پروژه میل در رساله درباره آزادی مربوط به ویژگی‌هایی از لیبرالیسم میل است که در همه انواع لیبرالیسم مشترک است، و مهمترین آنها در بحث فعلی ما درک اروپا-محورانه از تاریخ و پیشرفت بشری است. چون مدعای مرجعیت عام اندیشه لیبرالی مربوط به چنین درک و برداشتی است، عدم موفقیت پروژه میل در کتاب درباره آزادی در واقع عدم موفقیت و شکست خود پروژه لیبرالی است.

گفتگوهای من در طول سالیان با آیزایا برلین و جوزف راز یاور من در شکل دادن به این تأملات ثانوی در مورد میل و لیبرالیسم بوده است، اما هیچ‌یک از آنان مسئول هیچ‌یک از این تأملات ثانوی نیستند.

بیشترین دین را همسر، میکو، برگردن من دارد.

جان گری
جیزس کالج، آکسفورد
آوریل ۱۹۹۵